

عنوان: سخنرانی آقای دکتر ثبوتی در دیدار منتخبین استان زنجان با آقای رئیس جمهور

جناب آقای احمدی نژاد رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران

یکی از علمای سلف زنجان که خدواند با اولیا محشورش بدارد یک روز از سر دل تنگی گفته که زنجان از عالم تهی شده، تنها چهل مجتهد مانده است. در آن زمانها زنجان بیش از ده هزار جمعیت نداشت. منظورم این است زنجان سابقه علم و دانش دارد. زنجان امروز اگر آن چهل مجتهد را ندارد در عوض دهها هزار جوان طالب علم و دانشجو دارد که یکی از بالاترین نسبتها در کل کشور است و هر کدام استعداد بالقوه دارد که اگر میدان بیابد فرزند خلف بوعلی سیناها و خواجه نصیرها و ابوریحان باشد. به دارالعلم زنجان خوش آمدید و انشاءالله، هم شهریها و هم استانیهایم حق میزبانی را به جا خواهند آورد.

این که استان زنجان چه مزیت‌های نسبی دارد و در جهت توسعه کل کشور عزیزمان چه خدماتی را موثرتر و بهتر می‌تواند انجام دهد و چه توقعاتی دارد توسط مسئولین محترم استان به عرض رسانده شده است و انشاءالله در حد توان دولت به سمع قبول پذیرفته خواهد شد. در فرصت کوتاهی که در اختیارم است اجازه می‌خواهم به دو نکته اشاره کنم.

درست است که در کشور عزیز ما گروه انبوهی زیر خط فقر زندگی می‌کنند و در تامین هزینه زندگی روزمره و مسکن و بهداشت و آموزش فرزندان و غیره عاجزاند و به حق باید مورد توجه باشند و برای‌شان چاره‌ای اندیشیده شود. ولی جامعه ما رویه دیگری هم دارد.

در بار آخری که مخابرات اقدام به فروش تلفن موبایل کرد مردم دست تو جیب‌شان کردند و هشت میلیون موبایل به ارزش ۳۰۰،۳ میلیارد تومان خریدند. در بار اول ۵/۵ میلیون موبایل به بهای ۵۰۰،۳ میلیارد تومان خریده بودند. بنده منجمام و با اعداد نجومی مانوس هستم ولی این ارقام در تصور منجمین هم به زحمت می‌گنجد. نمودهای سرمایه‌های سرگردانی که نزد مردم وجود دارد فراوان‌تر از دو مثالی است که در بالا آوردم. مثلاً بانک کارگشائی در دو هفته گذشته، سکه حراج می‌کند و روزانه در حدود ۶۰۰۰ سکه به مبلغ یک میلیارد تومان می‌فروشد. بانک خصوصی سرمایه در شرف تاسیس وقتی اعلام پذیره نویسی ۲۵۰ میلیارد تومان می‌کند در کمتر از دو روز کاری این مبلغ خریداری می‌شود. یا فلان موسسه دولتی وقتی اوراق قرض‌الحسنه عرضه می‌کند در عرض یک روز و بعضاً چند ساعت هر آنچه را عرضه می‌کرده به فروش می‌رساند. مطمئناً اقتصاد دانان کشورمان قادر هستند برای هدایت چنین نقدینه‌گی‌های سرگردان به سوی تولید ارائه طریق کنند. ولی دولت‌هایمان چه در گذشته و چه در حال باید موضوع را وجهه همت خود قرار می‌داده‌اند و بدهند. شاید لازم باشد دست مردم برای سرمایه‌گذاری در تولید بازتر باشد و شاید لازم باشد موسسات وابسته به دولت در امر اقتصاد رقیب بخش خصوصی نباشند. مثلاً شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران خودش مزایده برگزار نکند و خودش را برنده خاک معادن سرب و روی انگوران اعلام نکند و بگذارد اگر سودی هست عاید ۱۳۴ هزار سهام دار جزء شرکت توسعه معادن روی ایران باشد. مطمئناً جناب‌عالی و مشاوران عالی‌رتبه ریاست جمهوری به عدم رقابت بین بخش‌های دولتی و خصوصی

پایند هستید ولی تا این پایندی را به سطوح پائین تر تصمیم‌گیری بقبولانید و ضمانت اجرایی برایش فراهم آورید راه درازی در پیش دارید خداوند یارتان باشد. و اما نکته‌ای از آموزش عالی و جویندگان آن و خدمتی که زنجان می‌تواند بکند:

برابر آخرین اطلاع از بولتن‌های خبری که بین مدیران و مسئولین بلندپایه کشور توزیع شده، تنها در شیخ‌نشینهای جنوب خلیج فارس متجاوز از ۱۶۰۰۰ دانشجوی ایرانی به تحصیل در مقاطع مختلف دانشگاهی و اکثراً کارشناسی مشغول هستند. هزینه متوسط ثبت‌نام سالیانه ده هزار دلار و هزینه‌های اقامت و زندگی و رفت و آمد نیز به همین اندازه بالغ می‌شود. جمعاً برای خانواده دانشجو در یک سال تحصیلی حداقل بیست هزار دلار و برای کشور ۳۲۰ میلیون دلار هزینه دارد. اگر تعداد آنهایی را که در غرب کشورمان از ارمنستان، ترکیه و قبرس گرفته تا اروپا و کانادا و قاره آمریکا و در شرق کشورمان از هند تا استرالیا و نیوزیلند در جستجوی تحصیلات دانشگاهی هستند به ۱۶۰۰۰ نفر امارات اضافه کنیم هزینه‌ها در حد دو میلیارد دلار خواهد شد. نکته دیگر این که برابر گزارش‌های بانک جهانی قدرت خرید پول ایران در داخل کشور هر دلار در حدود دویست و چند ده تومان است (برای سال ۲۰۰۳ دلار پی‌پی‌پی = ۱۹۵ تومان). ولی دلاری که توسط خانواده‌ها برای تحصیل فرزندان‌شان خریداری و به بیرون فرستاده می‌شود با نرخ نهصد و چند تومان است. بنابراین ضرر و زیان یاد شده را باید به چهار یا چهار و نیم ضرب کنیم.

صرف‌نظر از زیان مالی به یاد داشته باشیم ۱- سپردن فرزندان ۱۸-۲۵ ساله به بیگانگان در هشتاد درصد موارد منجر به پشت سر نگاه نکردن‌شان و برای همیشه از دست رفتن‌شان می‌شود. ۲- ترویج داوطلبانه فرهنگ بیگانه را در پی دارد که در طول بیست و چند سال گذشته در گفتار از آن بیزاری جسته‌ایم ولی در عمل از جلوگیری آن ناتوان بوده‌ایم اگر نگوییم در مواردی هم به استقبال‌اش رفته‌ایم. واقعیت این است که مردم عادی خدا آفریده خوبی‌های فراوان دارند و از عیب‌ها هم بری نیستند حاضرند برای فرزندان خود خرج کنند و برای دیگران نه‌کنند. راهی جسته شود که اقلأ تعدادی از همین مردم که تحصیل فرزندان‌شان را به ناچار در خارج می‌جویند با یک پنجم هزینه آنرا در داخل بیابند. زنجان می‌تواند در این امر مبارک یاری رسان باشد. به زنجان اجازه داده شود یک برنامه پیلوت اجرا کند و در قالب مقررات موجود وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مجوز ده پانزده رشته در علوم پایه، مهندسی، علوم اجتماعی و انسانی با مشارکت دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی دایر کند. تعهد می‌کنیم در طول دو سال و بدون تقاضای هیچ کمک دولتی حداقل دو هزار نفر از دانشجویان مورد بحث را در زنجان نگاهداریم و با هزینه‌ای برابر یک پنجم الی یک هشتم آنچه که در امارات هزینه می‌شود آموزشی بهتر از آنچه که در همان جاها می‌بینند ارائه دهیم. وزارت متبوع مقررات لازم را دارد و نیاز به وضع هیچ قانون یا آیین‌نامه جدیدی نیست. تقاضا تنها برای انبساطی عمل کردن مقامات تصمیم‌گیر و معزز وزارت‌خانه است. پیشنهاد اجرائی‌ام را در این خصوص به جناب آقای دکتر زاهدی نوشته‌ام و یک نسخه از آن هم تقدیم حضور می‌کنم. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یوسف ثبوتی

والسلام علیکم و رحمت‌اله